پوهنیار بشیر مومن

جامعه شناسي انتخابات افغانی

قسمت دوم

مردم! مارمولکها، پشمینها ها ،پلنگینها و بویگینها را به ارگ راه ندهید!

در مقا یسه با ستند ردهای تاریخ معاصرو اکثر کشورهای همسا یه ما خوشبخت هستیم که از آزادی نسبی برخوردار هستیم ، آزادی روزنه را به روی چا نس های زیادی می کشا ید وچا نس پیوسته با مسوولیت همراه میباشد، مسولیت استفاده ی عا قلانه, صا دقانه وانسا ند وستانه از آزادی وامکا نات رابوجود میاورد . ما امروز در گیر ودار این قدرتهای بزرگ ودر موجودیت شان به سر می بریم وحسا س ترین لحظات تاریخ وطن را پیش روی داریم ، اینکه ما چه تصمیمی رادرین لحظه حساس و نازک وچه شیوه و نحوه ی را در مورد انتخاب مان می گزینیم بدون شک پیامدهای مبارک

ونامبارک را موجب خواهد شد. اما قبل از همه نبا ید فراموش کرد که وضعیت جامعه ی در حال تحول ما به گونه‌اي است که همه ما کم و بیش دچار نوعي بحران در تصمیم گیري نسبت به انتخاب میان «ثبات» یا «تغییر» هستیم. از یك سو نمي توانیم پیوستگي خود را با سنت‌هاي اجتماعي و تاریخي نادیده بگیریم و با گذشته خود قطع ارتباط کنیم و از سوي دیگر نمي‌توانیم «دربست» شیفته ارزش‌ها ونورم های جدید اجتماعی شویم. به هر حال ما نه مي توانیم از گذشته دل برکنیم و نه قادریم که الزامات دنیاي مد رن را نا د یده بگیریم. بقول نیچه عا لم المانی «اگر بت‌ها را واژگون کرده باشی کاری نکرده‌ای، وقتی واقعاْ شهامت خواهی داشت که خوی بت پرستی را در درون خویش از میان برداری». به هر حال ما همیشه با دو وضعیتِ « سرتنبگی» یا « تسلیمی» روبرو می‌شویم. به طور معمول جامعه در برابر پد یده‌ها و نورمهای مد رن قد ري مقاومت مي کند، ولي هنگامي که تاب مقاومت را از دست داد، سر تسلیم فرو می نهد. اما طرف دیگر مسله را هم نباید فراموش کرد ،که عکس آن هم میتواند به وقوع بپیوند د موتور مدرنیزم را ا ز حرکت با ز بدارد وهمه چیز « برگشت پذیر» گرد ند . در گذشته های نه چندان دورما مشکل آ ن بود که هیچگاه نتوانستیم توازني میان تغییر و ثبات ایجاد کنیم. اگر این روند در غرب طی چند قرن طول کشید ما همهش را یکشبه میخواهیم ،. برخي نگران تغییر هستند و فکر میکنند که تحول «آبرو وعزت» شان را از بین میبرد . غا فل از این که تغیر و« انتخابات آزاد ، دشمن هیچ یک از باورهای توده مردم نیست».در روزگاران ما، «فقر فکری از فقر گرسنگی کرده مصیبت بارتر است». بر اساس آنچه گفته آمد یم انتخا با ت یک فرایند است یک تغیر است بطرف ثبات و در این فرایند، کسانی انتخاب می شوند و کسا نی انتخا ب می کنند. این در حا لیست که انتخابات به عنوان یک وسیله برای نیل به دموکراسی است.

مهم ترین مساله د ر انتخابات فضای انتخاباتی است که آیا فضای انتخاباتی سیاسی است یا پوپولیستی ویا مردم را به هیجان آوردن است. تعیین کننده ی این فضا، هم انتخاب شونده گان و هم انتخاب کننده گان هستند. کیفیت این انتخا ب کننده گان و انتخاب شونده گان در چه حدی است و چگونه این کیفیت بالا و پایین می آیند. و این که آیا انتخاب شونده گان سیاسیون با اصول هستند یا مبلغین سیاسی که تنها شعا رمی دهند ، از آن طرف چه بخشی از انتخاب کننده گان عوام هستند و چه بخشی خواص. همان طوریکه در بخش اول ذکر گرد ید در یک انتخابا ت، اصلی ترین نقش را احزاب بازی می کنند. ولی در کشور ما احزاب بزرگ وجود ندارد بلکه تنظیمهای بزرگ وجود دارند تنظیم وحزب دوچیز متفاوت است.تنظیم مانند قطعات عسکری ا ند وحزب که مفاهیم وملازمه های جامع خود را در نظر وعمل تعریف کند، درافغانستان وجود خارجی ندارد.

در غیاب احزاب، پوپولسیت ها خود نمایی می کنند وتحت نام ایدیا لوژی ویا اسلام مردم را تحت تاثیر خویش قرار میدهند . در کشور ما به خاطر نبود احزاب سراسری، اکثراً پوپولیست ها میدان را در گرو خود دارند. «انتخابات پرشگاه سیاسیون برای رسیدن به دستگاه د یوانی نیست اینجا خواست توده آدمیان برای درمان ناراستی هاست» . در مقابل اگر احزاب باشند مرد م به فرد معرفی شده ی حزب و برنامه شان رای می دهد که مجبورند آن برنامه ها را اجرا کنند تا در دوره های بعدی باز هم سر قد رت باشند در این صورت است که احزاب می آیند و می روند ، نه افراد. پس فضای انتخا با تی در کشور ما همیشه پوپولیستی بوده است نه سیاسی. و با تحریک کردن حساس ترین نقاط ما نند احساسات قومی،مذهبی و عوام پسندانه مردم را فریب می دهد. هرچند که در برخی موارد نامزدهایی از سوی احزاب نیز معرفی شدند، ولی نامزدانِ احزاب هیچگاه ازآدرس حزبِ خود داخل معرکه انتخابات نشده‌اند. این امر باعث گردیده تا کاندیدان با آجندای شخصی، به سوی مردم بروند و

بخت آزمایی کنند. اگر به انتخا ب شده گان کشور مان دقیق شویم اکثر شان مداحان سیاسی هستند، یعنی این که به نتیجه و آخر کار می نگرد و درفکر پیروی از اصول وارزشهای جامعه نیستند. به همین لحاظ گفته اند که «انتخابات مکا ن شعبده بازی دیوان سالاران نیست» . این مداحان سیا سی یعنی انتخاب شونده گان، اصول وارزشها را به شکلی ترتیب میدهند که مناسب سود و منفعت خود شان باشد. و این افراد خود به خود باعث تضعیف نورم ها وارزشها در جامعه می شوند که درد نا ک ترین خصوصیت آن این است « اگر من برنده نشوم دیگران را خو در خون خواهم شا ند ».« به من چه که وطن« در» میگیرد ویا مردم» این جاست که « منا فع ملی » جای خویش را به « منا فع شخصی» می دهد، و به خا طرتامین منافع اقلیت جنایتکار، وجدان ، ایما ن ، صداقت و درست کا ری در مقابل چشم اکثریت پایمال می شود.در سوی دیگر، ما انتخا ب کننده گان را داریم. در خارج از شهر کا بل، با پد یده یی به نام " با نک رای " مواجه هستیم که این با نکها، « انتخاب کننده گان » هستند.درین قسمت باید متذکر گرد یدکه این با نکها مربوط دو قوم ازبک وهزاره هست واقوام دیگر بخصوص دو قوم بزرگ پشتون وتاجیک « بفضل خداوند بزرگ» ازین با نک بی بهره هستند. به عبا ره دیگر نه تاجیک رهبر فراگیر دارد ونه پشتون . هر قد ر ما از شهرهای کلان مانند کابل، که مردم آن از آگاهی سیاسی اجتماعی بالاتری برخور دار هستند، به طرف شهر های کوچک و روستاها نزد یک می شویم با همین پد یده درگیر هستیم که از نظر آگاهی سیاسی و اجتماعی در پایین ترین سطح هستند واز جانب دیگر آزادی شان از جا نب جنگسالاران سلب گردیده است. ا ز د یگاه جامعه شناسی مهم ترین خصوصیات این عوام بی شکل بودن آن هاست. پس انتخابا ت در منطقه ی ما بی شکل است. یعنی این که بخش بزرگی از انتخاب کننده گان شهری مثل کا بل چون از آگاهی نسبی سیاسی برخوردارند، انتخابات آن جامعه سیاسی است، در مقابل اطراف، که انتخاب کننده گان را توده ها شکل می دهند، انتخابا ت منطقه ی ما بی شکل است، چون انتخابات در اطراف در حد قومندانان وجنکسالاران خلاصه می شود. پس، انتخابات که یک فرایند سیاسی است و جا به جا یی قدرت را در پی دارد، و رای مردم باید سیاسی باشد، این فرایند در منطقه ی ما در حد همان رای داد ن به جنگسالاران ، نزول پیدا می کند.انتخاب شونده گان، به خاطر نداشتن سواد سیاسی و سواد اقتصادی و در غیا ب احزاب, نه باسیاستمدارن بلکه با سیاست بازان روبر هستند. سیاست باز هاهمین زورمندان هستند که در قرآن و قانون به تعقیب منافع شخصی خود هستند.

به همین د لیل «کشوری که گروه های هدفمند سیاسی ندارد انتخابات هر روز بیشتر به پستی می گراید» .نمونه ی آن را در همه ی انتخابات منطقه ی ما می توا ن د ید که مثلن مد ت باقی مانده به انتخابات, رقابت یک کاندید تبدیل به اتحاد می شود و با کا ند یدای رقیب یک شبه دست به ائتلاف می زند و مردم را به عقب خودشان می کشند. این ها به معنای دقیق کلمه استفاده جوها وچپاولگران هستند که تغییر روش و عقاید سیا سی شان متناسب با موقعیت، بنابر منافع شخصی یا گروهی؛ صورت میگیرد نه بر مبنای منافع ملی وکشوری. به عنوان مثال آن چه که در ذهن و افکارعمومی از آمران و نماینده گان پارلمان و شورای ولایتی جای گرفته این که آن ها به شکل عامیا نه اش« فقط خوردن ، چور کردن ، با اطفال معصوم زنا کردن ، فرهنگ بچه با زی را رونق دادن و درفکر پر کردن جیب خودشان بودن و بلند منزل ها آباد کردن... ». حالا نکه اینها " مارمولکها ، پشمینه ها، پلنگینها وبوبیگنه ها"، به منا بع قدرت و فرصت ها دسترسی دارند چرا استفاده نکنند! . در اصل قربا نیان این فساد فقط وفقط مردم بی چاره وتحصیلکردگان بیواسطه هستند . قابل یا دها نی است که درهر قوم و قبیله ، افراد فا سد وماجراجوی وجود دارند که خوشبختانه خود بخود هرروز از صحنه سیاسی کشور نفرین میشوند.افغانستان کشوری است که هرگز با خطوط فکری مریض، نا د یده

گرفتن ومحود یگران به ثبا ت وقوام نخواهد رسید. تاریخ کشورمان مبین این امر است که در صحنه یکتا زیها همه با زنده ا ند وهیچ برنده ای در آن وجود نخواهد داشت.
با توجه به د لسردي که در جامعه به د لیل وقـا یع قبلی ایجاد شده است، چرا با ید همچنا ن به انتخابات به عنوان يك دريچـه بـه سمت دموكراسي نگاه كنيم و با شركت در انتخا با ت امیدوار به تغییر شرایط موجود باشیم؟ اینکه آیا انتخابات در کشور يك شيوه و سا زوکار جامع است؟ کس نمـي توا ند جواب مثبتي در این باره بدهد و لذا این که فکر کنیم انتخابا ت مـا بـه مثا بـه مشکل کشای تمام ناساما نی هاست این طور نیست. اما يك قدم مثبت د یگـریست که به هیچ عنوان نمي توان ا ز آن گذشت. به هر حال انتخا با ت د ر افغانستان هر پنج سال يـك بـا ر يك نقطه عطفي براي بروز تحولات است و جامعه مي تواند خود نشان بدهد که با تمـام کـم و کاستي‌ها یش و از د رون همین خود نشان دادن است کـه برخـي مسـا یل را خیلـي هـا متوجـه مي‌شوند و خود را با واقعیت جامعه هماهنگ مي كنند، حتي نامزدها به عنوان نماینـده سـاختار قدرت، سعي مي كنند خود را با محیط هماهنگ کنند.
همچنان لازم است که ما رییل فکر کنیم ونه اید یال،به این خاطر نباید توقع د اشت کـه این انتخا بـا ت صد فیصد شفا ف باشد، ونه ان چنان با تقلب که مشروعیت آن زیر سوال برود. از طرفي مشاركتي كه مردم انجام مي‌دهند وقـت و زمان چنداني را از مردم نمي گیرد اما شاید شرکت در انتخابات يك كار بی خطرهم نباشد . ولی بایـد بـه تبعـ ات مثبـت آن توجـه داشـته باشیم.در غیر آن برای همیش در گرو پشمینه، پلنگینه وبوی گینه خواهیم بود . این کار ساده نیست این یک د ین وطنی سترگ است بقول نیچه «آنکه می‌خواهد روزی پرید ن آموزد، نخست می‌با ید ایستادن، راه رفتن، دویدن و بالارفتن آموزد. پرواز را با پرواز آغاز نمی‌کنند».در این فرصت جوانان و زنان به عنوان نیروی موثرتری باید با تشیکل میتینـگ ها وگرد هما یی ها در برابراذ هان استبد اد زده ی جنکسالاران وطالبان ایستاده گی کنند. این کار در تمام شهرها باید صورت گیرد.

ادامه دارد...